

نقد و بررسی کتاب

درآمد:

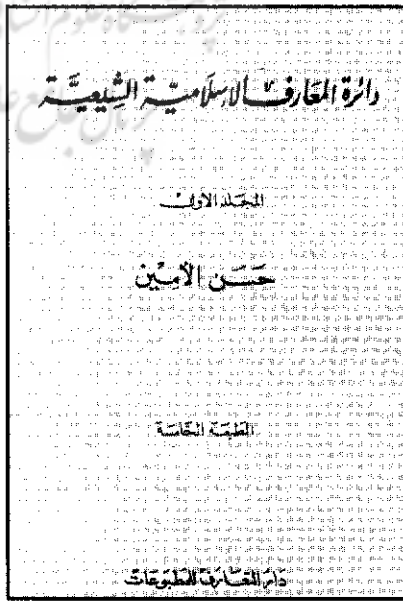
دایرةالمعارف مجموعه‌ای از مقالات فشرده از همه رشته‌های دانش بشری یا یکی از رشته‌های دانش بشری است که بر حسب نظامی خاص (عمدتاً الفبایی) مرتب شده است. اهمیت یا کاربرد این قبیل کتاب‌های مرجع بر کسی پوشیده نیست. باتوجه به سخن افلاطون که برای بهتر آندیشیدن لازم است آدمی همه چیز را بداند بسیاری بر آن‌اند که ریشه دایرةالمعارف‌ها را باید در یونان باستان جست‌وجو کرد و لذا ارسطو را نخستین کسی می‌دانند که به گردآوری مجموعه اطلاعات بشری اقدام کرده است. بسیاری نیز مشرق زمین را در تاریخ دایرةالمعارف‌نویسی از نقش مغرب زمین قدیمی‌تر می‌دانند. بر این اساس گفته شده چینی‌ها نخستین ملتی بودند که حدود دو هزار سال پیش به تدوین دایرةالمعارف همت گماشتند یعنی همان آینه امپراتور که در سال ۲۰۲ میلادی به دستور خاقان وقت چین تدوین شد.^۱

تدوین دایرةالمعارف یا «موسوعه» در معنای امروزی آن از قرن هجدهم میلادی شروع شده است. اولین اثر در این زمینه دایرةالمعارف ایتالیایی است تحت عنوان *Cacrapofama* Biblioiteca Universal که به همت ماریا کورونولی نشر یافته است. در سده اخیر دایرةالمعارف فرانسوی الگوی اصلی در تدوین دایرةالمعارف‌ها به شمار آمده است. در دوران معاصر می‌توان از دایرةالمعارف بریتانیکا، دایرةالمعارف لاروس فرانسوی، دایرةالمعارف بروکهاوس آلمانی و دایرةالمعارف اتحاد شوروی نام برد. اگر بتوان مجموعه دینکرت (*dincart*) را نوعی دایرةالمعارف نامید، این اثر ایرانی باستان نیز که به زبان پهلوی است در زمره این مجموعه‌ها قرار می‌گیرد. در این اثر، قواعد و اصول و آداب و رسوم و روایات و تاریخ و ادبیات زردشتی آمده است.^۲ این کتاب در اواخر قرن نهم میلادی به پایان رسیده است.

در جهان اسلام می‌توان به دایرةالمعارف «ابن قتیبه» معروف به عیون الاخبار اشاره کرد که قدیمی‌ترین است. چنان که برخی کتاب‌های المعارف وی را نیز همین‌گونه دانسته‌اند.^۳ این کتاب محتوی

سیری در دایره المعارف اسلامی شیعه

دکتر محسن قاسم‌پور



Small text at the bottom of the page, likely a footer or additional information, including a website address: www.kanoon.ir

می‌بخشد. پنجاه و یک یا دو رساله فراهم آمده از تعالیم اخوان الصفا در چهار گروه «مقدمات، ریاضیات و منطق، طبیعیات و علم النفس و الهیات، ناموس الهی و شریعت دینی» حوزه وسیع این دایرةالمعارف دینی است.^۴ بعد از این دایرةالمعارف می‌توان به موسوعه‌هایی چون نهایةالآرب فی فنون الادب از النویری (۱۳۳۲-۱۲۷۲) مورخ مصری در زمینه جغرافیه، تاریخ، گیاه‌شناسی و جانورشناسی را یاد کرد. این اثر به همت دکتر محمود مهدوی دامغانی به فارسی برگردانده شده است. دیگر نویسنده بزرگ مصری یعنی فلقشندی صاحب دایرةالمعارف صبح الاعشی، از جمله کسانی‌اند که می‌توان در این زمینه به آنها اشاره کرد. این اثر در چهارده مجلد در زمینه جغرافیه، تاریخ سیاسی، تاریخ طبیعی، جانورشناسی، معدن‌شناسی و مانند آن است. همچنین باید به نویسنده دیگری به نام اشبیهی در قرن هشتم اشاره کرد که صاحب دایرةالمعارف گونه المستطرف می‌باشد.

باری تعبیر دایرةالمعارف و بعد از آن موسوعه نخست در نیمه قرن نوزدهم میلادی در جهان اسلام متداول گردید. تعبیر اول توسط معلم بطرس البستانی در سال ۱۸۷۰م و دومی توسط احمد زکی پاشا ادیب مصری (متوفی ۱۳۵۲ ق) در اواخر قرن نوزدهم به کارگرفته شده است.^۵

دایرةالمعارف بستانی نخستین دایرةالمعارفی است که در جهان اسلام به روش جدید تهیه شده است.^۶

پس از بستانی از محمد فرید وجدی به عنوان کسی که دومین گام را در تدوین دایرةالمعارف در جهان اسلام برداشته سخن به میان می‌آید. دایرةالمعارف او بیشتر از دایرةالمعارف بستانی جنبه دینی دارد. این مجموعه اولین بار در فاصله سال‌های ۱۹۱۰ تا ۱۹۱۸م در قاهره و در ده مجلد به چاپ رسیده است.^۸ باری، آن چنان که در مقدمه جلد اول دانشنامه جهان اسلام آمده در یک قرن اخیر و از زمان آشنایی مسلمانان با شیوه‌های جدید دایرةالمعارف با اقتباس یا ترجمه دایرةالمعارف‌های غربی، مجموعه‌هایی عمومی یا تخصصی و از جمله در موضوع اسلام و تمدن اسلام به نگارش در آمده است.



نمونه‌هایی است از مشتقات ادبی عصر مؤلف در مسائل مختلف که هر دسته تحت عنوانی نقل شده و با نظر مؤلف درباره آنها درآمخته است. در این کتاب بسیاری از روایات ایرانی آمده است و از کتب مشهور پهلوی که به عربی نقل شده مانند آیین‌نامه در موارد متعدد نقل شده است.

برخی رسائل اخوان الصفا را در سده چهارم نیز نوعی دایرةالمعارف در جهان اسلام فرض کرده‌اند. به نظر برخی رسائل اخوان الصفا بر همه علوم شامل است و به کوشش‌های نوع انسانی معنایی حقیقی

به شیعه باشد. اما از آنجا که غیر روشمند و بی‌اسلوب است نمی‌تواند از جامعیت برخوردار باشد.

به نظر نگارنده سطور و با نگاه دایرةالمعارفی این مجموعه ایرادهایی دارد که در ذیل از نظر خوانندگان محترم می‌گذرد:

۱: تاملی بر مدخل‌ها و چگونگی آنها

یکی از موضوعات مهم در دایرةالمعارف‌ها، مدخل‌ها و چگونگی انتخاب آنهاست. دلیل انتخاب یک مدخل برای نگارش مقاله‌ای درباره آن، و اهمیت نداشتن موضوعات دیگر برای آن که به صورت مدخل درآیند، مطلبی است که معمولاً در آغاز بیشتر کتب مرجع یا دایرةالمعارف‌ها درباره آن توضیحات روشن‌گرانه‌ای به خوانندگان داده می‌شود. مطالعه و بررسی‌ها در این باره نشان می‌دهد که هر مجموعه‌ای از منطق خاص خود پیروی می‌کند که مجموعه دیگر ممکن است به آن پای‌بندی کامل نداشته باشد.

برای مثال، دایرةالمعارف بزرگ اسلامی درباره چگونگی انتخاب مدخل توضیح داده (دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، ص ۱۰) و مراحل انتخاب آن را این‌گونه برشمرده است:

«استخراج از منابع، بررسی بخش‌گزینه‌های عناوین، تأیید و براستاری و تحویل به بخش پرونده علمی که در آن منابع موجود مربوط به هر مدخل شناسایی و بررسی می‌شود و پس از آن این منابع به نویسنده مقاله ارائه می‌شود»^۱

در دانشنامه جهان اسلام درباره این موضوع چنین آمده است: «گزینش مدخل‌ها براساس جستجو در امهات مراجع و منابع هر علم و یا صوابدید متخصصان صورت گرفته است. کوتاهی و بلندی مقالات علاوه بر اهمیت موضوع بر اساس قلت و کثرت اطلاعات است.»^۲

دایرةالمعارف تشیع این موضوع را به صورتی دیگر نگاه کرده و در مقدمه جلد اول آن آمده است: «انتخاب مدخل‌ها در کتاب‌های مرجع اهمیت اساسی دارد زیرا به وسیله همین مدخل‌هاست که مراجعه‌کننده به مطلب موردنیاز خود دست می‌یابد. دامنه و شمول هر دایرةالمعارف را نیز همین مدخل‌ها تعیین می‌کنند. از این رو دایرةالمعارف تشیع هنگامی که به تدوین طرح دایرةالمعارف تشیع مبادرت نمود فهرست مدخل‌ها یا عناوین مقالات را تهیه کرد و به چاپ رساند و آن را در دسترس فضلا قرارداد تا نواقص آن را تذکر دهند»^۳.

در دایرةالمعارف الاسلامیه الشیعیه حسن امین هیچ یک از این مراحل پیموده نشده است. انگیزه حسن امین از تدوین این مجموعه چنانکه خود گفته در واقع تصحیح گفتار و مقالات کسانی است که یا در طریق شناخت شیعه تخصصی نداشته و به تدوین مقالات

حسن امین نیز از جمله نویسندگانی است که در زمینه انتشار دایرةالمعارف شیعه کوشش کرده است. حسن امین به عنوان مؤلف دایرةالمعارف الاسلامیه الشیعیه انگیزه خود را چنین توضیح داده است: «علت اساسی نگارش این مجموعه این بود که پس از چاپ دایرةالمعارف‌های اسلامی مستشرقان به زبان‌های انگلیسی، فرانسوی و آلمانی مصری‌ها پیش از جنگ جهانی دوم این آثار را به عربی ترجمه کردند. در آن هنگام اشتباهات فراوانی در آنها درباره شیعه یافتیم. نویسندگان دایرةالمعارف نوشتن مقالات مربوط به شیعه را به یکی از مستشرقین به نام «لامانس» واگذار کرده بودند. این شخص در کودکی به لبنان آمده و در میان اعراب بزرگ شد و زبان عربی را آموخت و نسبت به اسلام کراهت و عداوت داشت. «لامانس» هنگامی که به شیعه می‌رسد تمام حقد و کینه خود را از اسلام بر سر آنان می‌ریزد. زیرا می‌داند لکه‌دار نمودن شیعه لکه‌دار نمودن اسلام است. او از شخصیت‌های بزرگ شیعه چون «حجر بن عدی» و دیگران با بدی یاد می‌کند و به همین ترتیب دیگر مستشرقانی که درباره مواضع شیعی مطلب نوشته‌اند مرتکب اشتباهات فاحش یا تعمدهایی غیرقابل اغماض شده‌اند.»^۴

وی پس از ذکر این مطالب رسالت خود را مورد تأکید قرار داده و چنین گفته است: بخش زیادی از این اشتباهات یا مواردی را که نیاز به شرح و بسط داشت، یافتیم و از این موارد نزد من مطالب بسیاری جمع شد. اول متحیر شدم که چگونه این تصحیح را ارائه نمایم. چون اگر این مسائل در مجله‌ای منتشر شده بود می‌توانستم در صفحات همان مجله پاسخ آن را بدهم لکن این دایرةالمعارف‌ها کتاب‌هایی بودند که به زبان‌های مختلف چاپ شده و در تمام دنیا نشر یافته بود. چگونه می‌توانستم سخن خود را به آنان برسانم؟ از این رو بعضی از دوستان پیشنهاد کردند که نام کتاب را «القسم الشیعی من دایرةالمعارف» قرار دهم و یکی از برادران اهل تسنن پیشنهاد کرد که نام آن را «دایرةالمعارف شیعی» بنهم و عاقبت تصمیم بر آن شد که کتاب با نام دایرةالمعارف الاسلامیه الشیعیه منتشر گردد و هدف آن برتر از تصحیح خطاها و اشتباهات دایرةالمعارف اسلامی باشد. از این رو به این کار روی آورده و خود را وقف آن نمودم و شروع به نوشتن موضوعاتی مربوط به شیعه کردم.

دایرةالمعارف شیعه حسن امین تا پیش از انتشار دایرةالمعارف تشیع فارسی در نوع خود منحصر به فرد بود. باید خاطر نشان ساخت این دایرةالمعارف با توجه به انگیزه مثبت و سازنده مؤلف آن و اینکه به تنهایی به کار تدوین این دایرةالمعارف اقدام ورزیده، کوششی است درخور ستایش و تمجید و در نوع خود می‌تواند بیانگر نظریات مربوط

جز اینها اشاره‌ای نشده است. ارجاعات و استنادات مقالات گاهی در متن است و زمانی در پاورقی‌ها^{۳۱}.

گاهی مقالات از ابتدا تا انتها هیچ ارجاعی ندارند^{۳۲}. و زمانی، به فراخور سلیقه نویسنده، جسته و گریخته مطالب مستند به سند است و زمانی مقاله از لحاظ استناد معتبر است.^{۳۳} بنابراین مقالات از نظر نظام ارجاعات یکدست و منسجم نیست. نام نویسنده یا نویسندگان در پایان بسیاری از مقالات نیامده است.^{۳۴} یا اگر مقاله از کتاب یا دایرةالمعارف دیگری برگرفته شده نام مأخذ پس از نام نویسنده مقاله از قلم افتاده است.^{۳۵}

افزون بر این موارد، نقص جدی در این بخش این است که در پاره‌ای موارد اساساً عنوان مقاله با بدنه آن هماهنگی ندارد، زیرا مطلب مورد بحث، مستقیماً از صدر تا ذیل فقط از یک کتاب برگرفته شده است.^{۳۶} و مقایسه کنید با مجموعه کامله مؤلفات سیدمحمد باقر صدر^{۳۷}، از این رو این‌گونه مقالات بیشتر نظر یک نویسنده را درباره یک موضوع بیان می‌کند و دربرگیرنده تمام جنبه‌ها و حاوی نظریات متخصصان گوناگون نیست.

ب. جامعیت لازم در مقالات (ساختار مضمونی و محتوایی)

یکی از ملاک‌های سنجش و اندازه‌گیری انطباق یک مقاله با معیارهای علمی، جامعیت آن است. یعنی اینکه یک مقاله، از نظر محتوا بر همه اجزای لازم، جامع است یا خیر. در این باره باید اذعان کرد که برخی از مقالات دایرةالمعارف الاسلامیة الشیعیة در حوزه تاریخ، فرهنگ و تمدن از جامعیت و شمول نسبی و قابل قبولی برخوردار است^{۳۸} اما برخی از مقالات جامعیت لازم را ندارند.

از مقالات دسته دوم می‌توان از این مدخل‌ها سخن گفت:

۱. مقاله «اصول فقه»: بدون تردید فقه شیعه باتوجه به ویژگی‌های خاص خود از دیگر مذاهب فقهی اهل سنت متمایز و منحصر به فرد است. انتظار می‌رود که مقاله «اصول فقه» مقاله‌ای علمی و مربوط به حوزه فقه شیعه باشد و همه جنبه‌ها و خصوصیات علم اصول فقه شیعه در آن طرح و بررسی شده باشد. در این مقاله به تأسیس علم اصول و نقش اصحاب رأی، به ویژه از منظر تاریخی، اشاره‌ای نشده است. از دیگر جنبه‌های مهم این مدخل، رویکردهای متفاوت عالمان شیعه در بحث اصول فقه است. نظام فقهی - اصولی ابن جنید که با عالمان دیگر شیعه متفاوت است.^{۳۹} یا اصول فقه شیخ طوسی که حد وسط باور متکلمان و اصحاب حدیث است از جلوه‌های بارز این موضوع است که در این مقاله بررسی نشده است.
۲. در مدخل «اصل» نویسنده مقاله ابتدا «اصل» را از منابعی چون

پرداخته‌اند یا به عمد مطالبی نادرست را به شیعه منسوب دانسته‌اند، که وی نیز در مقام پاسخ برآمده است.^{۴۰} به گفته مؤلف، وی از ابتدا قصد تدوین چنین مجموعه‌ای را نداشته و از این رو مراحل یا الزاماتی را در انتخاب مدخل‌ها مقرر نکرده است.^{۴۱}

به این ترتیب کاملاً واضح است که در امر سیاست‌گذاری و گزینش مدخل‌ها در دایرةالمعارف حسن امین از مشاوران و متخصصان شاخه‌های مختلف دانش بشری بهره‌ای گرفته نشده است و نیز با مؤلفان و نویسندگان متخصص برای تدوین مقالات و گروه‌های علمی و ویراستاران ارتباط وثیق برقرار نشده است. در حالی که بهره‌گیری از متخصصان از ضرورت‌های بایسته چنین کار مهمی به شمار می‌رود. غفلت از این امر در دایرةالمعارف حسن امین از کاستی‌های غیرقابل اغماض این اثر است.

از همین روست که در این اثر جای بسیاری از مدخل‌ها خالی است. مدخل‌هایی مانند «ابراهیم»، «اجاره»، «احتجاج»، «اهل بیت»، «آیه تطهیر»^{۴۲}، «آیه اكمال»^{۴۳}، «آیه امانت»^{۴۴}، «آیه انذار»^{۴۵}، «آیه تبلیغ»^{۴۶}، «آیه نجوا»^{۴۷}، «آیه ولایت»^{۴۸}، «تحریف»، «بدعت»، «بحارالانوار» و «قرآن» از نمونه‌های این کاستی است. به علاوه اگر اشخاص و اعلام را کنار بگذاریم بسیاری از مفاهیم و اصطلاحات معتبر و مهم از دیدگاه اسلام و تشیع، از نظر دورمانده است.

۲) میزان پای‌بندی مقالات به روش‌های علمی

الف. اسلوب و ساختار ظاهری

بعد از عناوین مدخل‌ها، مقالات نیز از ابعاد و جنبه‌های گونه‌گون قابل بررسی، تحلیل و نقد است. فصل مشترک نقد بر این مقالات، فقدان روش علمی در آنهاست. هر مقاله مشتمل بر اجزایی است شامل: مدخل و ملحقات آن، شناسه مدخل و منابع. بسیاری از مقالات هیچ تعریف ابتدایی یعنی شناسه یا معرف مدخل ندارند^{۴۹} و حتی گاهی ملحقات مدخل بر معرف مدخل تقدم یافته است.^{۵۰}

مقالات دایرةالمعارف، گزارش جامعی از یک موضوع با تکیه بر منابع معتبر است. بنابراین دست کم یکی از شاخصه‌های مهم علمی بودن مقالات، وجود نظام دقیق ارجاعی و استنادی است.

روشن است که هر مطلب یا اطلاع مندرج در مقاله باید به منابع مستند متکی باشد و حتی اگر از مصادر و اسنادی استفاده مستقیم نشده، بر خوانندگان معلوم باشد. نداشتن نظام ارجاعی دقیق از نواقص این دایرةالمعارف است. اساساً در مقدمه این دایرةالمعارف به نظام ارجاعی، شیوه‌نامه مقالات، چگونگی علائم اختصاری، ضبط تلفظ‌ها و

به نظر می‌رسد. مخالفان حجیت ظواهر قرآن، دلایلی دارند از جمله: «اختصاص فهم قرآن به کسانی که صرفاً مخاطب آن هستند»: «انما يعرف القرآن من خوطب به»^{۳۷}

«نهی از تفسیر به رأی»: «من فسّر القرآن برأیه فلیتوبه مقعده فی النار»^{۳۸} «غموض معانی قرآن» و مانند آن که هر کدام پاسخ‌های مستدلی دارند.^{۳۹} اما در مقاله نه از اشکالات سخنی رفته است و نه به پاسخ‌ها اشاره‌ای شده است.

۷. در مدخل «قضا و قدر» و در بخش ملحقات آن یعنی «قضا و قدر در قرآن» لازم بود ابتدا آیاتی که در زمینه سرنوشت و نیز اراده و اختیار است ارائه می‌شد سپس به بحث در این باره پرداخته می‌شد. البته مقاله جبر و اختیار در این دایرةالمعارف نیز در مواردی با مقاله قضا و قدر تداخل و همپوشانی دارد و بهتر بود با ارجاع از این تکرار پرهیز می‌شد. به جز آیاتی که در مدخل «قضا و قدر» به آن اشاره شده است آیات دیگری نیز وجود دارد که از نظر صاحب‌نظران و متفکران از آیات مهم در این باره است.^{۴۰}

تأکید بر عدم تناقض یا تعارض بین این آیات و طرح مبحث تطور تاریخی آن، به‌ویژه از منظر اشاعره و معتزله، از مباحث ضروری است که در این دایرةالمعارف از قلم افتاده است. روایات استفاده شده در این مقاله نیز جامعیت و شمول ندارد. بهتر بود از روایاتی مانند این روایت استفاده می‌شد که «اگر خدا بخواهد کاری به انجام رسد خردهای مردم را از آنها جدا می‌کند تا وقتی که امر خود را به انجام رساند. همین که به انجام رساند خردهای آنها را به آنان بازمی‌گرداند و در این وقت است که پشیمانی صورت می‌گیرد»^{۴۱}. از امام رضا(ع) نیز روایاتی وجود دارد که شایسته طرح در مقاله بود.^{۴۲}

۸. موضوع «تأویل» که از زیرمجموعه‌های مدخل «تفسیر» است نیز دارای جامعیت لازم نیست. «تأویل» موضوع پژوهش‌های گوناگون و از منظر دانش‌های مختلف همچون کلام، فلسفه، اصول و نیز تفسیر قابل بررسی است. در حالی که در این مقاله به جز تأویل کلامی، آن هم از نظر فارابی، ابن‌سینا، بقیه تأویل‌ها مغفول عنه واقع شده است. بگذریم از آنکه وقتی بحث تأویل از نظر فارابی و ابن‌سینا مطرح می‌شود، تأویل معتزله مطرح و ابتدا از وجه تسمیه معتزله سخن گفته می‌شود. غافل از آنکه این مقاله درباره تأویل است و بجا بود که تعریف معتزله یا بحث درباره اختلاف در وجه تسمیه آن و... در مدخل «معتزله» مطرح می‌شد.^{۴۳}

۳) تداخل مدخل‌ها

برخی مدخل‌ها آن چنان اهمیتی دارند که شایسته است مقاله مستقلی داشته باشند. به دلیل عدم پیروی از منطق و روشی خاص در

تنقیح المقال، مجمع‌الرجال و جز اینها تعریف می‌کند که در جای خود درست و بجاست. اما درباره اینکه این «اصل‌ها» که در حکم منابع و مصادر اولیه کتب اربعه شیعه است و مجامع حدیث امامیه را فراهم ساخته^{۴۴} مربوط به کدام حوزه دینی است بحثی نمی‌کند. در این باره که آیا این احادیث در زمینه احکام و سنن بوده، یا مواظب، ادعیه، یا تفسیر احادیث را در برمی‌گرفته یا احادیثی در همه این زمینه‌ها بوده است، بحث روشنگرانه‌ای به چشم نمی‌خورد.

۳. مقاله «اسماعیلیه» نیز از حیث جامعیت ایراداتی دارد. در این مقاله ابتدا اسماعیلیه یک فرقه مذهبی تعریف می‌شود و تصریح می‌گردد که منظور از اسماعیلیه قائلان به امامت «اسماعیل بن جعفر» است. بلافاصله به آغاز افتراقات اسماعیلیه اشاره می‌شود که با انقراض دو فرقه یا گروه نزاریان و مستعلویان پدید آمدند، در حالی که پیش از این، مسائل زیادی وجود دارد که باید بدان پرداخته می‌شد. برای خواننده مقاله، ظهور و پیدایش اولیه این فرقه یکی از مهم‌ترین محورهای بحث است. بر اهل فن پوشیده نیست که با رحلت امام صادق(ع)، پیروان آن حضرت به گروه‌هایی تقسیم شدند که از میان آنها دو گروه را می‌توان نخستین گروه‌های اسماعیلی به شمار آورد: گروه اسماعیلیه خالصه^{۴۵} یا واقفه^{۴۶} و گروه مبارکیه^{۴۷} بدیهی‌ترین موضوعی که هر نویسنده باید در ابتدای بحث و معرفی اسماعیلیه بدان بپردازد همین تقسیم‌بندی است که در این دایرةالمعارف درباره آن بحث نشده است. از مباحث دیگری که در این مقاله جای آن خالی است می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: چگونگی سلسله امامان نزد اسماعیلیان نخستین؛ اصول عقاید و اندیشه‌های مذهبی آنان؛ نظام دعوت و سلسله داعیان فاطمی؛ شخصیت‌های متکلم و فیلسوف ماب اسماعیلیه همچون «حمیدالدین کرمانی»، صاحب کتاب راحةالعقل «المؤید فی الدین شیرازی»، «ناصر خسرو» و جز اینها و آثار علمی آنها؛ شخصیت‌های فقهی اسماعیلیه؛ و تأویل از نظر اسماعیلیان.

۴. مدخل «اسنا» به عنوان مکان و موضوع جغرافیای تاریخی نیز کاستی‌هایی دارد؛ از جمله پیشینه تاریخی این شهر، آثار باستانی و شخصیت‌های مهم که به آن اشاره‌ای نشده است.

۵. در معرفی «استبصار»، در قالب یک مدخل، که نام کتاب مهمی در حدیث است فقط به دو سطر اکتفا شده است و از محتوای کتاب، انگیزه مؤلف، ترتیب ابواب و طبقه‌بندی آن، تعداد احادیث، حواشی و تعلیقاتی که برای کتاب نوشته شده است گفتاری در میان نیست.

۶. در مدخل «حجیت و ظواهر» که یکی از مطالب مهم در بحث اصول تفسیر قرآن است، اشاره به دلایل طرفداران و مخالفان ضروری

این مسائل باید در مدخل «تفسیر» طرح شود یا در مدخل «سنن تاریخی در قرآن»؟

۴) تفصیل و اجمال‌های ناموزون

برخی به حق مقالات و موضوعات این دایرةالمعارف را «تفصیل و اجمال ناموزون» وصف کرده‌اند.^{۳۳} به بیان ساده‌تر بسیاری از موضوعات بیش از حد نیاز تفصیل دارد درحالی که برخی دیگر به اجمال برگزار شده است. برای مثال مقاله «اهواز» (ج ۴، ص ۱۸۵) یا مقاله «ایلخانیان» که بالغ بر نود صفحه را به خود اختصاص داده، یادکردنی است (ج ۴، ص ۳۵۵-۴۴۶).

به مبحث «زیارت» در دو ستون و نیم پرداخته شده است (ج ۷، ص ۲۱۶) که اهمیت آن بیش از این است. مقاله «نسخ» در جلد دهم از مقالات دیگری است که حجم آن با اهمیتش متناسب نیست، به‌ویژه آنکه بپذیریم این موضوع به مباحث کلام، اصول و علوم قرآن مربوط است. تفصیل مدخل «الازهر» در حدی است که حتی تعداد دانشجویان از سال‌های ۱۹۵۴ تا ۱۹۶۶ در این دانشگاه ذکر شده است. مقایسه بین مقاله «آق‌قویونلو» (ج ۲، ص ۵۶-۶۹) و «تحریف» که عنوان فرعی «قرآن» است، ناموزونی در طرح مقالات این دایرةالمعارف را نشان می‌دهد.^{۳۵}

۵: چگونگی آثار و کتب شیعه در این دایرةالمعارف

کمتر کسی به اهمیت معرفی و تحلیل یا تبیین کتاب‌های مهم در حوزه تفسیر، عقاید، کلام و فلسفه که به نحوی با فرهنگ و تفکر شیعه انتساب می‌یابد تردید دارد. اقدام شایسته و سترگ مرحوم شیخ آقابزرگ تهرانی در دایرةالمعارف‌گونه الذریعه الی تصانیف الشیعه شاهدهی بر این مدعاست. انتظار نمی‌رود که همه آثار شیعه از سده‌های نخستین تا به امروز در یک دایرةالمعارف شیعه ذکر شود، به‌ویژه با توجه به گستره وسیع مفاهیم و اصطلاحات فقهی، کلامی، حدیثی، تفسیری، فلسفی و جز اینها (به غیر از اعلام و اشخاص که در این دایرةالمعارف جایی ندارد). اما از سوی دیگر باید دید که مؤلف این دایرةالمعارف براساس چه معیاری برخی از این آثار را دارای اولویت دانسته و معرفی کرده است؟ بررسی‌های دقیق نشان می‌دهد که هیچ معیاری در این زمینه وجود نداشته است. در حوزه تفسیر برخی از تفاسیر ذکر شده اما تفاسیر مهم دیگر نادیده گرفته شده‌اند (ج ۶، ص ۲۹). در حوزه حدیث شیعه در بخش مربوط به آثار به جز کتب اربعه، بحارالانوار، وافی و وسائل الشیعه اهمیت دارد که این مجموعه از معرفی آنها بازیستاده است و صرفاً به معرفی نویسنده این

انتخاب مدخل‌ها - که قبلاً بدان اشاره شد - تداخل‌هایی در برخی از مدخل‌ها به‌وجود آمده است. «جرح و تعدیل» یکی از این نمونه‌هاست. این بحث که موضوعی اساسی در «علم الحدیث» و نیز «درایه و رجال» است در این دایرةالمعارف از زیرمجموعه بحث‌های مدخل «اجازه» است!

از نمونه‌های دیگر تداخل مدخل می‌توان به عنوان فرعی «کتب اربعه» در همین مدخل «اجازه» اشاره کرد. مبحث «کتب اربعه» که می‌توانست ذیل مدخل کتاب/ جامع/ جوامع حدیثی بیاید در حدی از اهمیت است که بررسی آن در مدخل «اجازه» عجیب می‌نماید و عجیب‌تر آنکه همین مبحث کتب اربعه دوباره ذیل عنوان «کتب اربعه» مورد بحث قرار گرفته است.

نمونه دیگر مدخل «تبیان» است که در این دایرةالمعارف یکی از مشهورترین کتب تفسیر قرآن معرفی شده است. در این مدخل، نویسنده این تفسیر را که از شیخ طوسی است به نحو کلی معرفی کرده و پس از آن رویکرد لغوی در این تفسیر را با اهمیت دیده و شانزده مورد را به عنوان شاخص‌های کلی این رویکرد مورد استناد قرار داده است. همین موضوع (معرفی تفسیر تبیان) در مدخل «تفسیر» دوباره مطرح می‌شود. در این قسمت نظر طبرسی (صاحب تفسیر مجمع‌البیان) درباره تفسیر شیخ طوسی آورده شده و طی آن به این نکته تصریح شده که نور حق از تفسیر تبیان مقتبس است. در ادامه، نویسنده انگیزه مؤلف این تفسیر را از تدوین این اثر از زبان خود وی آورده است و در پایان نیز خواننده را به مدخل «تبیان» ارجاع می‌دهد. اصول صحیح حاکم بر دایرةالمعارف‌ها اقتضا می‌کند که همه این مطالب در مدخل «تبیان» یا «طوسی» یا «کتب تفسیر» می‌آید.

در مقاله «سنن تاریخی در قرآن» (ج ۷، ص ۳۵۹) مؤلف (بی نام) به جهت‌گیری‌های مختلف تفسیر در قرآن اشاره می‌کند. در این مبحث نخست تفسیر قرآن به انواع تفسیر ماثور و تفسیر عقلی - اجتهادی تقسیم می‌شود و در پی آن نویسنده تأکید می‌کند که تفسیر یا موضوعی است یا غیرموضوعی. در تفسیر موضوعی موضوعات قرآن در محدوده‌هایی چون عقیده، اجتماع و جز اینها تفسیر می‌شود و عقیده توحید، نبوت، مذهب و سنن تاریخی و مانند آن از موضوعاتی به شمار می‌آید که به نظر نویسنده مقاله حجم قابل توجهی از آیات قرآن را به خود اختصاص داده است. در ادامه وجوه تمایز و تباین این دو شیوه تفسیری یعنی تفسیر موضوعی و غیرموضوعی تبیین می‌شود و نتیجه گرفته می‌شود که نتایج تفسیر موضوعی با تجربه بشری پیوند دارد و تفسیر موضوعی درواقع نوعی گفت‌وگو با قرآن است (همانجا). صرف نظر از درستی یا نادرستی این موضوع، سخن اصلی این است که

- مجموعه‌های حدیثی فقهی اکتفا کرده است (ج ۲، ص ۱۴۸).
تجربیدالاعتقاد کتابی است در علم کلام از خواجه نصیرالدین طوسی که از زمان تألیف همواره مورد توجه بوده است این اثر مهم دارای شروح و حواشی فراوانی است مانند: شرح کشف‌المراد علامه حلی یا شرح ملاعلی قوشچی و یا شوارق الالهام از عبدالرزاق لاهیجی (دایرة‌المعارف فارسی مصاحب، ج ۱، ص ۶۱۳) این تألیف ارزنده، در این دایرة‌المعارف معرفی نشده است. از باب حدی عشر، کتاب کلامی معروف شیعی، که نویسنده آن علامه حلی است و بیش از بیست شرح دارد از جمله شرح فاضل مقداد به نام النافع یوم‌الحشر فی شرح باب حدی عشر^۶ در این مجموعه سخنی به میان نیامده است.
- همچنین درباره کتاب‌هایی با عنوان «اثبات الوصیه» که یک رشته از کتابهای عالمان شیعه درباره امامت علی(ع) با نص صریح پیامبر (ص) است^۷ سخنی به میان نیامده است. به علاوه، آثاری که تحت عنوان «اثبات الهداة» مطرح است^۸ مانند اثبات الهداة شیخ حر عاملی نیز در این دایرة‌المعارف از قلم افتاده است. شگفت است که از اشارات ملاعلی برغانی قزوینی یاد شده است (ج ۳، ص ۷۶) اما از اشارات ابوعلی سینا و شروح آن، مثل شرح امام فخر رازی، سخنی نیست. در حالی که کمتر در اهمیت و اولویت ذکر اشارات و تنبیهات ابن سینا به دلیل تبادر ذهنی نسبت به اشارات برغانی تردید دارد.
- ۶) بی‌نظمی در برخی مدخل‌ها**
افزون بر ایرادات ساختاری یا محتوایی که به نمونه‌هایی از آن اشاره شد، نوعی پریشانی یا بی‌نظمی در برخی مقالات و مدخل‌های این مجموعه وجود دارد که از شتاب‌زدگی در کار دایرة‌المعارف نویسی حکایت دارد. مدخل «فلسفه اسلامی» (ج ۹، ص ۲۹) پس از مدخل «فلسطین» آمده و پس از چهار صفحه در این باب و در حالی که مقاله ناتمام است، بحث مربوط به «صفویه» ادامه یافته که عیناً چنین است: «و کذلک یکتب (سانسون): ان هناك وكلاء لشيخ الاسلام في جميع انحاء البلاد، حيث يقوم هولاء مع وكلاء المصدر (صدر الممالک) تنظیم اليهود والاجازات». نمونه دیگر مدخل «قضا و قدر» (ج ۹، ص ۲۰۰) می‌باشد که آن هم افتادگی دارد و آغاز و فرجام آن معلوم نیست. این تشویش و پریشانی وقتی برجسته‌تر می‌نماید که می‌بینیم بلافاصله بعد از مدخل «قضا و قدر» و در همین مجلد، مدخل‌های «طبرستان»، «طبریه»، «قطب شاهیه»، «قطیف»، «طرابلس»، «طغراء»، «طهران»، «طوسی»، «ظفرنامه»، «ظواهر و حجیت آن»، «عادل شاهی»...
- «عبقات الانوار»، «عراق»، «فقاسیا»، «قم»، «قیاس»، «عروض و قافیه»، «عقل»، «عقلیون» و... «غدير خم» آمده است.
- کتاب‌شناسی:**
- ۱ - اشعری، سعدین عبدالله، المقالات و الفرق، تهران، ۱۳۶۰؛
 - ۲ - ترمذی، جامع‌الکبیر، تحقیق بشار عواد معروف، دارالغرب الاسلامی، ۱۹۸۸ م؛
 - ۳ - تهرانی، شیخ آقابزرگ، الذریعة الی تصانیف الشیعة، بیروت، ۱۴۰۳ ق؛
 - ۴ - پورداوود، فرهنگ ایران باستان، زیر نظر بهرام فرهوش، دانشگاه تهران ۱۳۵۶ ش.
 - ۵ - حرآنی، ابن‌شعبه، تحف‌العقول عن آل‌الرسول، تحقیق محمدحسین اعلمی، بیروت، ۱۳۹۴؛
 - ۶ - خویی، ابوالقاسم، البیان فی تفسیرالقرآن، بیروت ۱۴۰۸؛
 - ۷ - خباط، عبدالرحیم، الانتصار، به کوشش نیرگه بیروت ۱۹۸۸ م؛
 - ۸ - دایرة‌المعارف الاسلامیه‌الشیعیة زیر نظر حسن امین، بیروت ۱۴۱۲؛
 - ۹ - دایرة‌المعارف بزرگ اسلامی، زیر نظر محمدکاظم موسوی بجنوردی، تهران، ۱۳۷۴؛
 - ۱۰ - دایرة‌المعارف تشیع، زیر نظر احمد صدر حاج سیدجوادی، تهران ۱۳۶۶؛
 - ۱۱ - دانشنامه جهان اسلام، (ج اول)، زیر نظر سیدمصطفی میرسلیم، تهران، ۱۳۷۵؛
 - ۱۲ - دانشنامه قرآن، بهاء‌الدین خرمشاهی، انتشارات داستان؛
 - ۱۳ - دانشنامه مزیدیسنه، جهانگیر اوشیدری، نشر مرکز، تهران ۱۳۷۱؛
 - ۱۴ - رسائل اخوان‌الصفا، مکتب‌الاعلام اسلامی، قم ۱۴۵۵؛
 - ۱۵ - زرین‌کوب، عبدالحسین، تاریخ ایران بعد از اسلام، انتشارات امیرکبیر؛
 - ۱۶ - دایرة‌المعارف فارسی، به سرپرستی غلامحسین مصاحبه تهران، ۱۳۴۵؛
 - ۱۷ - سیوطی، جلال‌الدین؛ جامع‌الصغیر فی احادیث البشیر النذیر، مصطفی حلی، بی تا؛
 - ۱۸ - شهرستانی، الملل والنحل، تحقیق محمد فتح‌الله بدران، قاهره، افسس قم، ۱۳۶۴؛
 - ۱۹ - لغت‌نامه دهخدا، زیر نظر محمدمعین و جعفر شهیدی، تهران

۱۳۵۲ ش:

- ۲۰ - کلینی، محمدبن یعقوب، الکافی، تصحیح و تحقیق علی اکبر غفاری، تهران ۱۳۸۸:
- ۲۱ - کیهان فرهنگی، سال سیزدهم، ص، ۷۵-۱۲۷:
- ۲۲ - مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، بیروت، مؤسسه الوفا، ۱۴۰۳:
- ۲۳ - مجله حوزه دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، شماره ۲۷:
- ۲۴ - المستدرکات اعیان الشیعه، حسن امین، دارالتعارف، بیروت:
- ۲۵ - مدیر شانه چی، کاظم، علم الحدیث و درایة الحدیث قم ۳۶۹:
- ۲۶ - مطهری، مرتضی، انسان و سرنوشت، تهران، ۱۳۶۹:
- ۲۷ - نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، تصحیح سیدمحمدصادق بحر العلوم، نجف، ۱۳۵۵ ق.

پی نوشتها:

۱. نشر دانش، شماره های پنجم و ششم، ص ۵۰، ۱۳۶۰
۲. همان جا، ص ۵۱
۳. رک: فرهنگ ایران باستان، ۲۱، ص ۱۵۳ و لغت نامه دهخدا، ج ۲۴، ص ۵۸۴ و نیز دانشنامه مزیدینا، ص ۲۸۷
۴. زرین کوب، تاریخ ایران بعد از اسلام، ص ۲۴
۵. هانری کرین، تاریخ فلسفه اسلامی، سیدجواد طباطبایی، ص ۱۸۹-۱۹۱
۶. کیهان فرهنگی، شماره ۱۲۷، ص ۱۴
۷. همان جا
۸. همان جا
۹. مجله حوزه، پیشین.
۱۰. دایرة المعارف بزرگ اسلامی، ص نه
۱۱. دانشنامه جهان اسلام، ج اول، ص ۲۳
۱۲. دایرة المعارف تشیع، ج اول، ص ۲۳
۱۳. مجله حوزه شماره ۲۷، ص ۱۷۳-۱۸۸
۱۴. همانجا
۱۵. احزاب: ۳۳
۱۶. مائده: ۳
۱۷. احزاب: ۷۲
۱۸. شعراء: ۲۱۴
۱۹. مائده: ۶۷
۲۰. مجادله: ۱۲
۲۱. مائده: ۵۵
۲۲. رک: ج ۲، ص ۱۲۰، ۴۰۸، ۴۳۸؛ ج ۹، ص ۲۵۳، ۲۷۵
۲۳. ج ۲، ص ۱۲۰؛ ج ۷، ص ۳۲۶.
۲۴. رک: ج ۳، ص ۱۰۳؛ ج ۴، ص ۳۲۵؛ ج ۵، ص ۲۸۸-۲۹۰؛ ج ۹، ص ۲۹۳، ۳۷۶-۳۷۹.
۲۵. رک: ج ۹، ص ۲۵۳-۲۶۰
۲۶. رک: ج ۶، ص ۴۳۸-۴۴۶؛ ج ۷، ص ۵۰۷-۵۱۸؛ ج ۸، ص ۴۴۳-۴۶۰.
۲۷. رک: ج ۳، ص ۱۰۳.
۲۸. برای مثال رک: ج ۱، ص ۱۵۸-۱۶۸؛ ج ۵، ص ۱۶۰-۱۶۳، ۲۵۸-۳۰۰.
۲۹. رک: ج ۱، ص ۸-۱۳، ۱۱۳-۱۱۷
۳۰. ج ۱۱، ص ۷۳-۷۴، ۹۸-۱۰۱، ۱۰۳-۱۰۴
۳۱. برای مثال رک: مقاله «اخباریون»: ج ۲، ص ۲۱۹-۲۳۶؛ مقاله «الاکراد»، ج ۳، ص ۳۳۰-۳۴۶.
۳۲. الانتصار، ص ۲۳۸
۳۳. علم الحدیث، ص ۷۴.
۳۴. نوبختی، فرق الشیعه، ص ۵۷-۵۸، سعیدبن عبدالله اشعری، المقالات و الفرق، ص ۸۰
۳۵. شهرستانی، الملل و النحل، ج ۱، ص ۳۵، ۱۴۹:
۳۶. معتقلان به امامت محمدبن اسماعیل نوبختی، همانجا؛ اشعری، همانجا.
۳۷. بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۳۴۹؛ فروع کافی، ج ۸، ص ۳۱۲:
۳۸. هرکس قرآن را با نظر خود تفسیر کند جایگاه او در آتش است، ترمذی، جامع الکبیر، ج ۵، ص ۶۶
۳۹. البیان، ص ۲۷۱-۲۷۳.
۴۰. رک: انسان و سرنوشت، ص ۹۶-۹۷
۴۱. جامع الصغیر، ج اول، ص ۶۷
۴۲. تحف العقول، ص ۲۲۶.
۴۳. رک: ج ۵، ص ۳۱۸
۴۴. دایرة المعارف تشیع، ص چهارده.
۴۵. رک: چاپ سه جلدی، ج سوم، (جزء حادی عشر، ص ۳۱۰)
۴۶. الذریعه، ج ۳، ص ۵
۴۷. الذریعه، ج ۱، ص ۱۱۱
۴۸. الذریعه، ج ۱، ص ۱۱۱